

Exploring the Scientific Components of Shi'a Governance Civilization in the Quran

Bibi Azam Hasheminia ¹  Sayyed Mohammad Naghib ² 

1. Ph.D. Candidate in the History of Shiism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author).

2. Associate Professor of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Qur'anic Sciences of Qom, University of Qur'anic Sciences and Knowledge, Qom, Iran.

Corresponding Email: azmhashmynya@gmail.com



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>

Article History:

Received: 2025-04-10

Revised: 2025-06-08

Accepted: 2025-07-26

Online First: 2025-10-22

Keywords

Scientific Components,
Shiite Government,
Islamic Civilization-Building,
Shiite Role-Playing in
Civilization.

Type of Article:

Research

Abstract: The present research has been compiled with the aim of examining and identifying the scientific components of Shiite civilization. The research method in this study is descriptive-analytical. According to the research findings, six scientific components can be extracted for Shiite civilization, which are: human dignity, rationality, monotheistic attitude, justice expansion, knowledge acquisition, and individual and collective hygiene. These civilization-building components have been derived from the inspiration of the Qur'an and the sayings of the Infallibles (AS). Evidence shows that by relying on these six principles, the continuation of the construction of Shiite civilization can be pursued and revived.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

How to cite:

Hasheminia , Bibi Azam ; Naghib , Sayyed Mohammad . (2026). Exploring the Scientific Components of Shi'a Governance Civilization in the Quran. *Quran, Culture And Civilization* , 7(1), 113-132.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>



واکاوی مؤلفه‌های علمی تمدن حکومت شیعی در قرآن



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>

بی بی اعظم هاشمی نیا^{۱*}

سید محمد نقیب^۲

مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴-۰۱-۲۱
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۳-۱۸
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۰۴
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۳۰

چکیده

پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی و شناخت مؤلفه‌های علمی تمدن شیعه تدوین شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی است. طبق یافته‌های پژوهش، می‌توان شش مؤلفه علمی برای تمدن شیعی استخراج کرد که عبارت است از: کرامت انسانی، عقلانیت، نگرش توحیدی، عدالت‌گستری، علم‌اندوزی، بهداشت فردی و جمعی. این مؤلفه‌های تمدن‌ساز با الهام از قرآن و سخنان معصومان به دست آمده است. شواهد نشان می‌دهد با تکیه بر این شش اصل می‌توان ادامه ساخت تمدن شیعی را پیگیری و آن را احیا کرد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های علمی، حکومت شیعی، تمدن‌سازی اسلامی، نقش‌آفرینی شیعه در تمدن.

استناد به مقاله:

هاشمی نیا، بی بی اعظم؛ نقیب، سید محمد. (۱۴۰۵). واکاوی مؤلفه‌های علمی تمدن حکومت شیعی در قرآن. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، (۱)۷، ۱۱۳-۱۳۲.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>

azmhashmynya@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.



۱. مقدمه

مؤلفه‌های تمدن‌ساز حکومت شیعی ریشه در کلام قرآن کریم و سیره رفتاری پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ دارد. با مراجعه به قرآن کریم و روایات به‌جامانده از رهبران شیعی می‌توان به نقش‌آفرینی منابع دین در ساخت تمدن شیعی پی برد. مجموعه‌ای از مؤلفه‌های علمی در قرآن کریم و سیره این رهبران وجود دارد که همه ابعاد زندگی فردی شامل رویکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افراد خردمند را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این رویکردها از سه بعد اصلی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی استخراج شده است و با رویکرد تمدن‌سازی شیعی (مانند تأکید بر امامت و عدالت) هم‌خوانی دارد. تمدن شیعی با کمک گرفتن از آموزه‌های قرآنی مبتنی بر آیات چندبعدی، توانسته است بر مسائل مهم حیات جمعی و مسائل جزئی فردی فائق آید. این برداشت زمانی اثبات می‌شود که بتوان این قوانین و قواعد دینی را با اصول طبیعی بشری تطبیق داد. با وجود این، باید پذیرفت که برای پیوستن به لقاءالله، فضا و محیط زندگی فردی و اجتماعی باید عین اسلام باشد؛ تا بتوان به مقام کمال انسانیت به عنوان غایت و هدف آفرینش صعود کرد.

اهمیت پژوهش پیش‌رو در خوانش مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی از منظر حکومت شیعی است که با تکیه بر آموزه‌های پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ شکل گرفته است. مؤلفه‌های علمی تمدن‌ساز شیعی کدام است؟ این مؤلفه‌ها در رویکرد کدامین رهبران شیعی به طور مشخص نمایان است؟ این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، تلاش دارد به اهداف مشخص شده دست یابد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با مطالعه منابع موجود دریافته‌ام که درخصوص مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی با فقر گسترده منابع روبرو هستیم. با وجود حضور گسترده شیعه در سراسر جهان، درخصوص مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی تا به امروز کار پژوهشی مشخصی صورت نگرفته است. منابعی درباره سیره علوی وجود دارد که به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. زمانی محبوب (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های تمدن‌ساز در سیره امام علی ﷺ با رویکرد قرآنی» تلاش دارد تا نقش امامان شیعه را در تحقق تمدن اسلامی بازتعریف کند. در این سیر، جایگاه قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ و حتی سایر امامان معصوم ﷺ به جز حضرت علی ﷺ کم‌رنگ جلوه می‌کند؛ درحالی‌که این مسیر ادامه ساختاری است که قرآن کریم به همراه پیامبر اکرم ﷺ پی‌ریزی کرده‌اند. پولادیان و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازپژوهی مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت» تلاش دارد تا مؤلفه‌های شیعی را که در فتوت ریشه دارد شناسایی و ریشه‌یابی کند. این پژوهش نیز ریشه‌های تمدن شیعی را که رسول اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ به دنبال آن بوده‌اند دنبال نمی‌کند و تنها به گوشه‌هایی از اهداف ایشان اشاره دارد. موسوی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تمدن شیعی یا تمدن اسلامی» تلاش دارد تا مبانی معرفتی تشیع و تحولات حاصل از آن را دسته‌بندی کند. هرچند این دسته‌بندی بسیار دقیق صورت گرفته، با ساختار مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی فاصله دارد. اکاتی و خدایار (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش امام علی ﷺ در گسترش تمدن اسلامی (مطالعه موردی توزیع اقتصادی)»، به مسئله رشد اقتصادی و شیوه مبارزه با فساد در زمان آن حضرت پرداخته‌اند. این پژوهش به‌خوبی به گسترش عدالت اقتصادی و رفاه عمومی پرداخته است و می‌توان از دستاوردهای آن مقاله حاضر استفاده کرد. منتظرالقائم (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان تمدن‌سازی نبوی و علوی و با تکیه بر نمونه «پدیدارشناختی»، به مطالعه فرهنگ اسلامی و شیعی و تمدن‌سازی نبوی و علوی پرداخته است. شاید بتوان نمونه‌های دیگری هم در این خصوص معرفی کرد، ولی هیچ‌یک به مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی به صورت خواص نپرداخته است. از این‌رو می‌توان پژوهش حاضر را اولین نمونه در موضوع پیش‌گفته معرفی کرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم تمدن

واژه «تمدن»^۱ برگرفته از کلمه «شهر»^۲ با مفهوم مدنی معرفی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۹۷۲؛ عمید، ۱۳۷۱، ص ۶۱۵). در زبان انگلیسی، این کلمه با کلماتی نظیر مؤدب، مبادی آداب، نزاکت، شهرنشین، نجیب و قابل احترام مترادف است (بختی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۹). ویل دورانت تمدن را به معنای نظم اجتماعی معرفی می‌کند که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ص ۳). در میان صاحب‌نظران اسلامی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون تمدن را حالت اجتماعی شدن انسان معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۵۹، ص ۷۷). با استفاده از این تعاریف، می‌توانیم تمدن را نوعی پیشرفت و توسعه همه‌جانبه در نظر بگیریم که نتیجه مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر بوده است.

تمدن اسلامی با محوریت دین اسلام و قرآن و سنت توانست در بازه زمانی کوتاهی، بر سایر تمدن‌های قدرتمند زمانه خود چیره شود. صدری معتقد است: «تمدن اسلامی مجموعه‌ای از آثار و تولیدات است که پس از ظهور دین مبین اسلام در جزیره العرب و پیوستن مردمان دیگر سرزمین‌ها پدید آمد. این تمدن ترکیبی از عناصر تأسیسی، تملیکی و تقلیدی است. همین ویژگی تملیکی و تقلیدی در پایان قرن پنجم هجری باعث شد شکوفایی خود را از دست بدهد و با حمله مغولان، آخرین بازمانده‌های آن هم از میان بروند. البته در بخش تأسیسی باید از علوم یاد کرد که نوابغ بنیاد نهادند و درحقیقت بخش اصلی نیروزایی و محرک واقعی تمدن اسلامی بود» (صدری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

۲-۲. مفهوم علم

درک مفهوم «علم»^۳ یکی از چالش‌های عصر حاضر است؛ چراکه مفهوم علم برای سال‌ها و حتی قرن‌ها، پایه و اساس دعوای علم و دین در غرب بوده است. در ساده‌ترین بیان، علم یعنی آگاهی و کوچک‌ترین واحد آن خبر یا «اطلاعات»^۴ است. در تعریفی دیگر، «علم تلاشی نظام‌مند است که دانش را در قالب توضیحات و پیش‌بینی‌های قابل آزمایش درباره تمامیت جهان می‌سازد و سازمان می‌دهد» (هیلبرون، ۲۰۰۳م، ص ۴). ارسطو معتقد است: «دانش علمی مجموعه‌ای از آگاهی‌های قابل اتکاست که از لحاظ منطقی، قابل توضیح باشد» (ویلسون، ۱۹۹۹م، ص ۵۲). همچنین، علم گاه به مجموعه گزاره‌ها و اطلاعاتی گفته می‌شود که دانشمندان در کاوش‌های علمی حول یک موضوع یا برای تأمین یک هدف گرد آورده‌اند و بین آنان بر اساس زبان علوم مورد گفت‌وگو قرار می‌گیرد. واژه علم از زبان عربی وارد زبان فارسی شده است. پردازش اطلاعات علم را خلق می‌کند.

۳. مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی

مؤلفه‌های علمی تمدن حکومت شیعی در قرآن نیازمند رویکردی چندوجهی است که هم مفاهیم قرآنی مرتبط با تمدن و حاکمیت را تحلیل کند و هم اصول و ارزش‌های شیعی را در چهارچوب آیات قرآن مورد توجه قرار دهد. از آنجاکه قرآن کتابی جامع و هدایت‌گر است، مؤلفه‌های تمدن‌سازی و حاکمیت در آن به صورت اصول کلی بیان شده است که می‌تواند برای یک حکومت شیعی تفسیر و تبیین

1. Civilization.
2. Civil.
3. Science.
4. Information.
5. Heilbron.
6. Wilson.

شود. از سویی ارتباط تمدن شیعی با قرآن کریم، در اصول و ارزش‌ها و مبانی‌ای نهفته است که قرآن به عنوان منبع اصلی هدایت و قانون‌گذاری ارائه می‌دهد. به بیانی، تمدن شیعی به عنوان یک نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های شیعه، از قرآن کریم به عنوان منبعی الهی برای استخراج اصول حاکمیتی و اخلاقی و اجتماعی استفاده می‌کند. این ارتباط را می‌توان در چند بعد کلیدی بررسی کرد که در ادامه به صورت نظام‌مند و با استناد به آیات قرآنی و تفاسیر شیعی آن را توضیح می‌دهیم.

۳-۱. توجه به کرامت انسانی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی، می‌توان به بزرگداشت مقام انسان و حفظ کرامت و شرافت او اشاره کرد. به تعبیر قرآن، خداوند انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داد (بقره: ۳۰). این، اوج عظمت وجودی و کرامت انسان است. تمدن اسلامی و به خصوص شیعی، انسان را در زمین و آسمان اشرف مخلوقات می‌داند و به هیچ مخلوقی اجازه اهانت و تحقیر او را نمی‌دهد. دهخدا تکریم را به معنی «منزه داشتن، حرمت نگه داشتن، گرمی داشتن و بزرگواری شمردن» معرفی کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۰۵). جوادی آملی کرامت را به معنای «عزت و برتری» معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۶۷، ص ۲۰). اما کرامت انسانی چه ارتباطی با مؤلفه‌های علمی تمدن دارد؟ قرآن کریم با صراحت اعلام می‌کند که نوع بشر از این حیث بر بسیاری از مخلوقات الهی برتری دارد (اسراء: ۷۰).^۱ تبریزی‌زاده اصفهانی نیز معتقد است: «از شاخص‌های جامعه متمدن و مطلوب قرآنی، حفظ کرامت والای انسانی است (تبریزی‌زاده اصفهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵).

از منظر شریعت، بعثت و شرایع آسمانی برای تربیت انسان و برخاسته از لطف الهی نسبت به بندگان است. از آنجاکه تنها دارایی انسان قبل از بعثت و تربیت الهی انسانیت اوست، اگر احترامی نسبت به او روا داشته شود، فقط به خاطر حیثیت انسانی او یا همان کرامت ذاتی است. بنابراین کرامت انسانی و وجود توانایی‌های مبارک بشر، علت و فلسفه وجود بعثت و ارسال رسل و تدوین دین و شریعت است. حضرت علی علیه السلام در همین خصوص در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه، بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان کرامت و احترام به امت («کَرَامَةُ لِأُمَّتِهِ» معرفی کرده است. این کرامت و احترام که برای تک‌تک انسان‌ها و قبل از تربیت ایشان و حتی با وجود شرک و عناد بوده، فقط به جهت انسان بودن و توانایی خاص یا همان کرامت ذاتی اوست (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۸۹). این بدان معناست که اگر انسان توانسته پله‌های کمال را بپیماید، بدان جهت است که خداوند کرامت را به او هدیه داده است؛ در غیر این صورت، چگونه هیچ موجود دیگری بدین درجه از کمال نرسیده است؟

از سویی شافعی و جوینی معتقدند: «اگر وجود ملازمه بین کرامت انسان با تشریع حکم مناسب با کرامت انسان را بپذیریم، به طور قطع یک قاعده اصولی را پذیرفته‌ایم و بحث در مورد آن یک بحث اصولی خواهد بود (که در قرن دوم هجری مورد توجه امام شافعی و سپس فقیهان دیگر قرار گرفت) و نمونه آن، حکم به پاکی منی انسان است» (شافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۲؛ جوینی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۰۹). این در حالی است که انسان‌ها از سنین کودکی کم‌کم و به مرور زمان در می‌یابند که شخصیت و کرامتی متفاوت از سایر گونه‌های مخلوقات دارند؛ کرامتی که پیوسته با آن‌هاست و باید برای آن احترام قائل شوند. این آموزه‌های فطری در احکام فقهی نیز دیده و در مورد حفظ و رعایت آن، در مورد خود مکلف یا سایر مکلفان، حقوق و وظایفی تعیین شده است که باعث شناخت بیشتر و گام نهادن در مسیر رشد و ترقی بشر گردیده است. با وجود این، خادمی کوشا کرامت ذاتی را چنین تعریف می‌کند: «جایگاه و شخصیت انسان بر اساس ادراکات فطری و غیرقابل تغییر که اساس احکام ثابت دینی باشد. و همین کرامت ذاتی انسان اساس حکم فقهی رعایت کرامت

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

عرفی هر انسان است» (خادمی کوشا، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر، همین ادراکات فطری و غیرقابل تغییر است که باعث ایجاد تمدن بشری و رشد علوم انسانی در زمینه‌های گوناگون می‌شود.

کرامت و منزلت، گذشته از شاخه‌های حقوقی اش، «دربدارنده دستور اخلاقی ژرفی است که شخص در هر وضع یا موقعیتی باشد، سزاوار و شایسته احترام است» (رشاد، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴). این احترام جوامع بشری را به جلو سوق می‌دهد. از منظر قرآن کریم، ملائک بر انسان سجده گذاردند (ص: ۷۲).^۱ در جایی دیگر خداوند می‌فرماید که انسان را به بهترین صورت آفریده (تین: ۴)^۲ و خود را با آفریدن او «أحسن الخالقین» خوانده (مؤمنون: ۱۴).^۳ از این دست آیه‌ها در قرآن کریم به وفور به چشم می‌آید که نشان از حرمت و کرامت انسان دارد.^۴

پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ نیز بر کرامت اسلام تأکید داشتند. ایشان با رفتار و منشی که در طول حیات خود با مردم نشان دادند، بر مبنای تقویت عزت و کرامت انسان‌ها عمل کردند. در دوران زمامداری حضرت علی ﷺ نشانه‌های علمی کرامت انسانی به کرات مشاهده می‌شود. ایشان در اکثر خطبه‌هایش از مقام «انسان» سخن می‌گوید، نه از مسلمان و مؤمن. این شیوه گفتمان نشان از رویکرد تمدن‌ساز آن حضرت دارد؛ تاجایی که آن حضرت را به عنوان رهبر جهان شیعی بعد از پیامبر اکرم ﷺ متمایز می‌سازد. رویکرد حضرت علی ﷺ به انسان، فرادینی بود و صرف انسان بودن افراد در جامعه را عاملی می‌دانست که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی‌شان تأمین شود. حضرت علی ﷺ خطاب به حاکم مصر می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. هرگز مبادا چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش»^۵ (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳). این نوع رفتار، اوج عظمت و جود و کرامت انسان است. «برای حضرت علی ﷺ کرامت ذاتی انسان‌ها بسیار ارزشمند است؛ چراکه کرامت انسان از مهم‌ترین کلیدواژه‌های نهج البلاغه است» (عبدالمقصد، ۱۳۷۱، ص ۳۹). از مواردی که آن حضرت بر عزت و کرامت انسانی تأکید دارد، می‌توان به خطبه ۱،^۶ خطبه ۲۷،^۷ نامه ۳۱ و نامه ۵۳^۸ اشاره کرد. امام خمینی نیز فرمود: «اسلام برای جایگاه انسانیت انسان ارزش زیادی قائل است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۴۶۷-۴۶۸).

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».
۲. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».
۳. «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».
۴. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»: خداوند به انسان مقام خلافت الهی اعطای می‌کند (بقره: ۳۰)؛ «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ». خداوند در این آیه از انسان پیمان می‌گیرد (اعراف: ۱۷۲)؛ «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ». طبق سخن خداوند در سوره لقمان، او آسمان‌ها و زمین را برای انسان مستخر کرده است (لقمان: ۲۰)؛ «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»: هنگامی که خلقت آن را به پایان و کمال رساندم و از روح خود (یک روح شریف و پاک و با عظمت) در آن دمیدم، همگی بر او آن سجده کنید (حجر: ۲۹).
۵. «وَأَشْعِرْ فَلَيْتَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ. وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ. فَإِنَّهُمْ صِغْفَانُ إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْحَلَقِ».
۶. ایشان در خطبه ۱، نوع انسان را به واسطه روح الهی و حقیقت ملکوتی که مایه والایی و تعالی اوست، دارای کرامت می‌دانند.
۷. «ولقد بلغني أنَّ الرجل منهم كان يدخل على المرأة المسلمة، والأخرى المعاهدة؛ فبينت حجلاً وقلبها وقلائدها ورعتها... فلو أنَّ امرأً مسلماً مات من بعد هذا أسفاً ما كان ملوماً، بل كان به عندي جديراً»: به من خبر رسیده است که یکی از آن‌ها (غارتگران)، بر زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان وارد شده و زیورات آنان را از تن آنان بیرون آورده و برده است... اگر به سبب این حادثه و ناراحتی حاصل از آن مسلمانی بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من کاری سزاوار و درخور است.
۸. بنده دیگری مباش؛ که خداوند تو را آزاد آفریده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).
۹. «أكرم نفسك عن كل دنيئة، وإن سافقتك إلى الرغائب. فإنك لن تعاض بما تبدل من نفسك عوضاً. ولا تكن عبد غيرك، وقد جعلك الله حراً»: بزرگوارتر از آن باش که به هر پستی تن دهی؛ هرچند که تو را به مقصودت [از اموال فراوان دنیا] برساند؛ زیرا تو نمی‌توانی در عوض آبرو و شخصیت انسانی خود که از دست می‌دهی، چیزی به دست آوری. و بنده هیچ کس مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است.

علامه جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی معتقد است:

در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت است از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و خیانت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صنعت شریف برخوردارند؛ ۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۲۷۹).

از منظر تمدن شیعی، کرامت انسان نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی و اصیل معرفی می‌شود که ریشه آن ذات خلقت بشری است و بر مبنای احکام و قوانین الهی توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، کرامت ذاتی انسان، خود مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و ارزش‌های بنیادین اخلاقی و دینی است که عبارت است از: آزادی، اراده و اختیار، قدرت تعقل و تفکر، داشتن وجهه و نفخه الهی و داشتن جنبه خلیفه‌اللهی.

۲-۴. عقلانیت

دومین مؤلفه علمی تمدن شیعی عقلانیت است که مورد تأیید همه فلاسفه دینی است. ابن‌منظور در خصوص عقل گفته است: «عقل به دلیل اینکه می‌تواند صاحبش را از گرفتار شدن نجات دهد و عامل تمایز او با سایر حیوانات است، ارزشمند است» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۵۹۹). فیروزآبادی عقل را «نوری الهی می‌داند که انسان به وسیله آن می‌تواند به علوم نظری دست یابد» (فیروزآبادی، ۱۹۹۱م، ص ۹۵۲). شیخ حرّ عاملی با توجه به آیات و احادیث، عقل را دربرگیرنده سه معنا می‌داند: «۱. نیرویی که با آن بدی و خوبی فهمیده می‌شود؛ ۲. ملکه‌ای که به انتخاب خوبی‌ها و اجتناب از بدی‌ها دعوت می‌کند؛ ۳. اندیشیدن و دانستن و به این جهت در مقابل جهل قرار می‌گیرد، نه در مقابل دیوانگی» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، صص ۲۰۸-۲۰۹).

شاید بتوان این ادعا را دور از واقعیت ندانست که فقه شیعه در فرآیند اجتهاد، به میزان فراوانی بر فهم عرفی استوار شده است؛ زیرا «فهم عرفی، پیوسته موتور اصلی حرکت اجتهاد شیعه بوده» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۴۶۱) که پویایی آن تضمین کرده است. متفکران شیعی عقل را به دو شاخه تقسیم‌بندی می‌کنند: «عقل عملی که در نتیجه گذر زمان و مربوط به عرصه بایدها و نبایدها ایجاد می‌شود و عقل نظری که مربوط شناخت است. بر این اساس، عقل نظری غالباً در علم کلام مورد توجه است، ولی عقل عملی شایسته‌ها و ناشایسته‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد» (شفیعی، ۱۳۸۱، ص ۳).

تمدن شیعی از تمامی منابع معرفتی (وحی، عقل قطعی، کشف عرفانی) برای شناخت حقایق هستی استفاده می‌کند. به عبارتی، تمدن علمی اسلامی عقل‌گرایی صرف را نکوهش می‌کند و پیوسته تأکید می‌کند که میان عقل و وحی رابطه معناداری وجود دارد و این دو در راستای یکدیگر حرکت می‌کنند. با وجود این نکته است که اراده انسان و هدایت او، به سمت ارزش‌های والا و تزکیه نفس حرکت می‌کند. با کنکاش در آیات قرآن کریم و سیره امامان معصوم، به این نتیجه کلی دست می‌یابیم که یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای رشد عقل، استفاده از آموزه‌های قرآنی است؛ چراکه عقل انسان‌ها به واسطه دقت در معانی آیات، به اسرار هستی پی می‌برد. آیه ۲۴ سورة محمد به تعقل در قرآن توجه می‌دهد؛ تاجایی که آن را نمونه‌ای از تلفیق عقل و وحی می‌داند.^۱ خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید (بقره: ۲۴).

۱. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴).

قرآن کریم به شیوه‌های مختلف تلاش دارد انسان را به تعقل و تفکر دعوت کند و به این منظور از واژه‌های معادل تبصر، تدبر، تفقه، دعوت و تذکر استفاده کرده است. این تعابیر جملگی نشان از اهمیت تعقل و تفکر دارد؛ تاجایی که از مسائل پیرامون بشر به آسانی عبور نمی‌کند، بلکه با ژرف‌اندیشی تلاش دارد تا مسائل را بررسی کند و تفکر را در همه بخش‌های زندگی در رأس امور قرار دهد. قرآن به‌روشنی انسان را دعوت به تعقل می‌کند و از هرگونه تقلید از گذشتگان پرهیز می‌دهد. از نظر قرآن، ویژگی کلیدی عقل این است که باعث می‌شود باور و ایمان ایجاد شود و این باور در مقابل شک و تردید قرار می‌گیرد؛ اما باید پذیرفت که این عقل نسبی است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز بر عقل‌مداری تأکید می‌کند: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»: تمام خوبی‌ها با عقل به دست می‌آید و کسی که عقل ندارد دین هم ندارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴). آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «... فَيَقْدِرُ عَلَيْهِ تَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ»: عبادت و بندگی مؤمن به اندازه عقل اوست. حضرت علی علیه السلام درخصوص عقلانیت می‌فرماید: «بهترین نعمت‌ها عقل است» (شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۳۳) و در جایی آورده است: «تفکر و تعقل مایه زندگی دل شخص بابصیرت است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۰). امام صادق علیه السلام نیز عقل و عقلانیت را ثروتی بزرگ می‌داند و می‌فرماید: «لَا غِنَىٰ أَخْصَبُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا فَقْرٌ أَحْطُ مِنَ الْحَقِّ» (شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۳۴).

در نگاه تفکر شیعه، عقل عملی وسیله‌ای در راستای شریعت معرفی شده است. عقل نخست احکام شرع را کشف و سپس به آن عمل می‌کند، ولی پس از فهم موضوع نمی‌تواند حکمی مستقل از شرع صادر کند. عقل عملی برای درک حقایق آزادانه عمل می‌کند و این عقل است که به درک حکم شرع نایل می‌شود. با وجود این، چنین عقلی چگونه می‌تواند خودش راهنما باشد؟ ازاین‌روست که فقهای شیعه عقل را در کنار دلایل نقلی معرفی می‌کنند. می‌توان گفت این نوع عقل نمی‌تواند از خودش تولیداتی داشته باشد و تنها می‌تواند شریعت را شناسایی کند. هرچند در اندیشه شیعه، قاعده ارجحیت عقل بر نقل است، این اصل در عقل‌نظری غالباً نمود می‌کند. به عنوان نمونه، در عقل‌نظری شناخت خداوند متعال بر تکالیف شرعی ارجحیت دارد، ولی در حوزه عقل عملی و به‌ویژه در مسائل اجتماعی و سیاسی، این اصل در ابهام قرار گرفته است.

۳-۳. نگرش توحیدی

مؤلفه علمی دیگری که می‌توان برای تمدن شیعی در نظر گرفت، نگرش توحیدی است. در همین راستا قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱)؛ یعنی ایمان به خدا رستگاری را به دنبال دارد. حال اگر بپذیریم که قرآن کلام خداوند است و خداوند جهان را خلق کرده، پس می‌توان نتیجه گرفته که «مخلوق خداوند فعل خداست» (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۸). همچنین می‌توان نتیجه گرفت که شناخت جهان ماده جزء علوم اسلامی قرار می‌گیرد؛ تاجایی که جوادی آملی از این شناخت، با عنوان علوم دینی یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). نگرش توحیدی به انسان اعلام می‌دارد که جهان هستی بر اساس اهداف مشخصی ایجاد شده است و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان این همه نظم را بدون حکمت در نظر گرفت؛ بلکه باید تلاش کرد تا رابطه علی و معلولی را از میان این عوامل پیدا کرد. در جایی خداوند اعلام می‌دارد که زمین و آسمان را مسخر انسان آفریده است، این بدان معناست که انسان قابلیت آن را دارد تا هم آسمان و هم زمین را به تسخیر خود درآورد. از نظر شهید مطهری، جهان دیگر به صورت تصادفی و طی یک بی‌نظمی به وجود نیامده است؛ بلکه با هدفی بزرگ ایجاد شده تا انسان را از پوچ‌گرایی نجات دهد (مطهری، بی‌تا، ج ۲، صص ۸۵-۸۶). اگر بپذیریم که انسان برای حضور در زمین برگزیده شده است، نمی‌توانیم بپذیریم برای این جهان کسی جز خداوند قانونگذاری کند. البته انسان در قبال این برگزیده شدن وظایفی دارد که دین اسلام آن وظایف را تعریف کرده است. یکی از آن‌ها گسترش علم برای افزایش رفاه مردم است. امام

کاظم علیه السلام در حدیثی به هشام می‌گوید: «حجت باطنی، همان عقل‌های مردم است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶). در این حدیث مشخص می‌شود که هرچند خداوند قانونگذار است، برای عقل نیز جایگاهی ویژه در نظر دارد که خداوند آن را به انسان ارزانی کرده است. از سوی دیگر در مکتب شیعه منابع فقهی عبارت است از: قرآن، سنت، اجماع و عقل که از این بین، اجماع و عقل بر خرد بشری تأکید دارد. در نتیجه مشخص می‌شود که نگرش توحیدی با علم منافاتی ندارد، بلکه در راستای آن در حرکت است.

توحید، به معنای یکتا دانستن خدا، اصلی‌ترین آموزه اعتقادی در اسلام است. نگرش توحیدی تلاش دارد با القای آموزه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)^۱ جوامع بشری را به سوی رستگاری هدایت کند. در سایه توحید و اصل وحدت، می‌توان هدف نهایی خلقت را مشخص کرد. در مکتب توحیدی، جهان ماهیتی تک‌قطبی دارد و همه از خداوند هستند و به سوی خداوند باز می‌گردند. پس زندگی دنیوی هرگز بی‌هدف نیست و آغاز و انجامی دارد. این فراخوان به یگانگی، به نشان دادن راه رستگاری بشر می‌انجامد؛ ولی برای رسیدن به این رستگاری باید از عقل استفاده کرد و برای آن ارزش قائل شد. برای اسلام علم از آن جهت واجب است که در جهت اثبات خداوند گام بردارد. برای نمونه، می‌توان گفت جهان از آن جهت به پزشک نیاز دارد که با علوم پزشکی آشنایی دارد و این نیاز یک تمدن و جامعه برای بقاست. پس فراگیری علوم پزشکی واجب کفایی است. سایر رشته‌ها نظیر معلمی، فلسفه، سیاست و تجارت نیز چنین است.

با این تعاریف درمی‌یابیم که نگرش توحیدی تلاش دارد ساختارهای علمی را در جهان تعریف و از آن‌ها حمایت کند؛ ولی علمی که در راستای اثبات خداوند حرکت کند، نه در رد وجود او. از این‌روست که شهادت بر یکتایی خدا و دوری از شرک، اولین گزاره‌هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز دعوت آشکار خود خطاب به مردم مکه بیان فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»^۲ (صافات: ۱۸۰) (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴). حضرت علی علیه السلام نیز، اعتقاد به توحید را اساس شناخت خدا دانسته است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَكَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ، وَكَمَالُ التَّصَدِّيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ»^۳ (نهج البلاغه، خطبه ۳۹). با وجود چنین شواهدی، می‌توان نگرش توحیدی را از اصول علمی تمدن شیعی معرفی کرد.

۴-۳. عدالت‌گستری

یکی دیگر از مولفه‌های علمی تمدنی حکومت شیعی عدالت‌گستری است که در بطن حکومت اسلامی نمایان است. قرآن کریم نیز عدالت را هدف اصلی بعثت انبیا معرفی می‌کند. عدالت به معنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خود تعریف می‌شود (منتظرالقائم، ۱۳۹۲، ص ۲۵۳). اگر بپذیریم که قوانین حقوقی آبخشور علمی دارد، باید پذیرفت که قوانین ایجاد بشر (مانند حقوق بشر) نیز در راستای عدالت‌گستری شکل گرفته و این قوانین پیش از ایجاد شدن، ریشه در آموزه‌های دینی داشته است. به علاوه، منطق عدالت‌گستری، از یک سو مانع از تداوم استبداد فردی و از سوی دیگر موجب حرکت به سوی مدینه فاضله در تمدن‌های بشری شده است. عدالت‌گستری نقش مهمی در ایجاد امنیت و ثبات در جوامع و بالندگی آن تا به امروز بر عهده داشته است. عدالت مفهومی ارزشی و از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها در طول تاریخ و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی است. عدالت، رعایت تناسب در هر چیز است. برخی از اندیشمندان معتقدند عدالت اعتباری است و با قرارداد اجتماعی و عقلایی پدید می‌آید و باعث تداوم تمدن و گسترش

۱. آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.

۲. پروردگارت که دارای عزت است، از آنچه او را به آن توصیف می‌کنند، منزه است.

۳. سرآغاز دین، معرفت اوست و کمال معرفتش تصدیق ذات او و کمال تصدیق ذاتش توحید و شهادت بر یگانگی اوست.

عقل‌گرایی می‌شود. به عبارتی ساده‌تر، یکی از مؤلفه‌های علمی تمدن بشر مسئله عدالت‌گستری است که باعث تحکیم تمدن بشری می‌شود.

از آنجاکه تمدن شیعی بر آموزه‌های قرآنی استوار شده، چراغی پرنور برای شناخت تمدن الهی است. این چراغ راه تمدن‌سازی، در دستان حضرت رسول ﷺ و حضرت علی علیه السلام قرار داشته است. جایگاه عدالت از منظر قرآن به اندازه‌ای است که به اصل کلیدی و جدایی‌ناپذیر حکومت اسلامی تبدیل شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰).^۱ در قرآن کریم: «عدالت در زمره ارزش‌های والایی یاد شده که ایجاد آن از حکمت‌های بعثت پیامبران الهی و نزول قرآن کریم معرفی می‌شود. به عبارتی، اساس آفرینش و حکمت بعثت انبیا بر مدار عدل و داد استوار است» (حدید: ۲۵).^۲ این اهمیت تا آنجاست که حضرت رسول ﷺ خود را مأمور برقراری عدالت می‌داند (شوری: ۱۵).^۳ در سوره انبیاء می‌خوانیم: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء: ۱۱).^۴ از منظر قرآن کریم، دوام و پایداری جامعه در گسترش عدالت است و فقدان عدل و داد، سبب زوال و افول جامعه می‌شود. در جایی دیگر، خدا انسان را به عدل و احسان که در وجودش هست، فرمان می‌دهد (نحل: ۹۰).^۵ با استناد به آیات قرآن کریم مشاهده می‌کنیم که رعایت عدالت جزء امور واجب است (بقره: ۲۷۹؛ نساء: ۳، ۵۸، ۱۲۹ و ۱۳۵؛ مانده: ۸؛ نحل: ۱۶؛ شوری: ۱۵؛ حجرات: ۹).

قرآن کریم ارزش عدالت را آنچنان بالا می‌داند که درخصوص دشمنان هم لازم الاجرا معرفی می‌کند. به عنوان مثال، در سوره بقره می‌خوانیم: «در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید؛ که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» (بقره: ۱۹۰).^۶ در سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸).^۷ با تمام وجود برای خدا قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. نظیر این آیات در مائده: ۲، نحل: ۱۲۶، شوری: ۴۰ و ممتحنه: ۸ نیز مشاهده می‌شود و نشان از اهمیت رفتار عادلانه با دشمنان دارد.

عدالت در تفکر شیعی نیز همچون قرآن کریم، یکی از اصول اساسی امامت است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه عدالت را ستون دین و پایه تمدن می‌داند.^۸ عدالت محوری در دوران زمامداری حضرت رسول ﷺ و حضرت علی علیه السلام، از مهم‌ترین مؤلفه‌های علمی تمدن اسلامی بود؛ تاجایی که می‌شود حضرت علی علیه السلام را تجسم عدالت در میان حاکمان بشری معرفی کرد. ایشان عدالت را جنبه عملی حکومت خود قرار داده بود و با نگاهی گذرا به دوران حکومتش می‌توان دریافت که کردار او با اندیشه‌اش همخوانی داشت؛ یعنی او هم عدالت‌خواه و هم عادل بود. آن حضرت تأکید می‌کرد که: «العدلُ حياةُ الأحكام»: عدالت روح و کالبد احکام الهی است (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۶) و در جای دیگر فرمود: «العدلُ أقوى أساسٍ»: عدل سنگ زیرین بنیاد اسلام است (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۶). از سخنان و کلمات قصار حضرت علی علیه السلام چنین استنباط می‌شود که ایشان عدل را به معنای مراعات انصاف در حقوق

۱. خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»: همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم؛ تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

۳. «وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ».

۴. و چه بسیار مردم ستمگری در شهر و دیارها بودند که ما آن‌ها را در هم شکستیم و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آن‌ها بیافریدیم.

۵. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»: همانا خدا [خلق را] فرمان به عدل و احسان می‌دهد (نحل: ۹۰).

۶. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

۷. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره با تمام وجود برای خدا قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید، چراکه به تقوا نزدیک‌تر است و از خداوند پروا کنید. همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۸. «العدل أساس الرعيه»: عدالت اساس اداره مردم است.

مختلف افراد در جامعه معرفی می‌کرد. آن حضرت در سخنی فرمود: «عدالت وسیله سنجشی است که خداوند برای مردم نهاد تا حق در جامعه استوار گردد. بنابراین با خدا در این میزان همراه باش و مخالفت نکن»^۱ (محمدری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۷۸). ایشان در نخستین خطبه بعد از بیعت مردم اعلام داشت که در میان مردم به عدالت رفتار خواهد کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۶). جرج جرداق متذکر می‌شود: «توصیه‌های امام و نامه‌های وی به فرمانداران، همواره بر محور واحدی به نام عدالت می‌چرخید» (جرداق، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳). حضرت علی علیه السلام بر این باور بود که وقتی عدالت در سطح عمومی فراگیر شود، گشایش و راحتی به دست می‌آید (نهج البلاغه، خطبه ۱۵). شهرها آبادان و شهروندان اصلاح و حکومت‌ها استوار می‌شود، جامعه به سوی پیشرفت حرکت می‌کند و در نهایت آهنگ تمدن‌سازی نواخته خواهد شد. ابن خلدون نیز عدالت را رکن اصلی پیشرفت یک جامعه می‌شمارد و با بهره‌مندی از آیات قرآن، ظلم را از موانع حرکت تمدنی و عامل انحطاط تمدن‌ها می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۰۳).

تمدن شیعی با الهام از قرآن، نظامی عادلانه را ترویج می‌دهد که در آن توزیع منابع، اجرای قوانین و قضاوت بر اساس قسط صورت می‌گیرد. این نظام شامل جلوگیری از تمرکز ثروت (حشر: ۷) و حمایت از محرومان است که در ساختارهای حکومتی شیعی مانند نظام وقف و زکات نمود می‌یابد.

۳-۵. توجه به علم

اسلام به علم و معرفت توجه ویژه‌ای دارد؛ تاجایی که می‌توان توجه به علم را یکی دیگر از مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی در نظر گرفت. این رویکرد به نوبه خود باعث می‌شود دین اسلام از سایر تمدن‌های بشری متمایز شود. اسلام سرچشمه تعلیم و تربیت است و قرآن و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به خودی خود نشانه علم‌آموزی است. در برخی آیات قرآن کریم به علم‌آموزی اشاره شده است؛ از جمله: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» (علق: ۱-۴).^۲ برای خداوند نوشتن آنچه‌اں مقدس است که پروردگار به آن سوگند می‌خورد. در نمونه‌ای دیگر می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»: به نون و قلم قسم (قلم: ۱). خداوند در قرآن همراه ایمان و تقوا و جهاد، برای صاحبان علم جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱).

نگاهی اجمالی به تمدن اسلامی و شیعی نشان می‌دهد عالمان با جاهلان در یک سطح قرار ندارند: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹). این جمله نشان از مساوی نبودن دو گروه دارد. شاید دلیلش آن باشد که عالم به حقایق امور توجه دارد. با مروری بر واژه علم و مشتقات آن در قرآن کریم درمی‌یابیم که این واژه ۷۸۰ بار، تعقل و مشتقات آن ۴۹ بار، تفکر و مشتقات آن ۱۸ بار، تدبیر و مشتقات آن ۴ بار، حکمت و مشتقات آن ۱۱۷ بار تکرار شده است (منتظرالقائم، ۱۳۹۲، ص ۵۳) که نشان از اهمیت بالایی این مقوله دارد.

اهمیت علم و دانش در تمدن شیعی تا آن اندازه است که در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، نگاه محبت‌آمیز به عالم نوعی عبادت معرفی شده است: «النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ حَبًّا لَهُ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۵). در سخنان به‌جامانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توصیه‌های گسترده‌ای به آموختن علم و دانش وجود دارد. ایشان نه تنها مسلمانان را مکرر به دانش‌آموزی سفارش کرده، بلکه آن را بر همگان واجب دانسته است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ». حدیث مشهور «اَطْلُبُوا الْعِلْمَ، وَلَوْ بِالصَّيْنِ» هم نشان می‌دهد دین اسلام برای دانش‌آموزی ارزش زیادی قائل شده است؛ تا آنجا که حتی اگر برای آموختنش طی مسافت نیز لازم باشد، باید برای کسب آن کوشش نمود.

۱. إن العدل میزان الله الذي وضعه للخلق ونصبه لإقامه الحق، فلا تخالفه في ميزانه» (محمدری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۷۸).

۲. بخوان به نام پروردگارت که همه آفریده‌ها را [آفرید. او انسان را از علق به وجود آورد. بخوان درحالی که پروردگارت کریم‌ترین [کریمان] است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.

در دوران زمامداری حضرت علی علیه السلام، تلاش گسترده‌ای برای آموزش جامعه و مبارزه با خرافات و نادانی مسلمانان آغاز شد؛ چنان‌که آن حضرت به یکی از فرمانداران خود دستور داد: «کلاس‌های آموزش و پرسش و پاسخ و مناظره علمی با دانشمندان و حکما برپا کن» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۶۷؛ نامه ۵۳). حضرت علی علیه السلام معتقد بود، برای رسیدن جامعه به اهداف الهی، بلوغ فکری، توسعه فرهنگی، تعلیم و تربیت، دانایی و ایجاد عقلانیت مردم باید تلاش کرد و این هدف بر هر چیزی مقدم است. ایشان برای دانش و حکمت ارزش فراوانی قائل بود و آن را بنیان کامیابی‌های مادی و معنوی جهان معرفی می‌کرد؛ به طوری که می‌فرمود: «ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که آن را نیکو می‌داند... حکمت گمشده مؤمن است. آن را فراگیرید؛ هرچند در دست منافق باشد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۷۷ و ۷۸). در جایی دیگر آن حضرت ارزش انسان‌ها را به مقدار دانایی و علم آن‌ها می‌داند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۷۸۰). در دوران طلایی اسلام، مسلمانان در علوم مختلف پیشرفت‌های بسیاری داشتند. حمایت دولتی، ساخت دانشگاه و رصدخانه و ترجمه آثار و کتب علمی از زبان‌های دیگر مانند یونانی، سریانی و پهلوی، از جمله مهم‌ترین دلایل پیشرفت علمی مسلمانان در این دوران به شمار می‌آید. به عبارت ساده‌تر، در نگاه شیعی، ائمه علیهم السلام منبع علم الهی هستند و تمدن شیعی باید بر تولید دانش و نوآوری متمرکز باشد. به این معنا، علم ائمه به عنوان هدایت‌گر جامعه در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که قرآن کریم تمدن شیعی را به سمت دانش محوری سوق می‌دهد. این اصل در ایجاد مراکز علمی (مانند حوزه‌های علمیه یا دانشگاه‌های اسلامی) و استفاده از فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین در اقتصاد) نمود می‌یابد. تمدن شیعی با الهام از قرآن، به دنبال تولید علم بومی و رقابت در اقتصاد جهانی است.

۳-۶. توجه به بهداشت فردی و جمعی

یکی دیگر از شاخصه‌های علمی تمدن شیعی، توجه جدی به نیازمندی‌های جسمی و روحی انسان است. یکی از آیاتی که به بهداشت فردی و جمعی اشاره کرده در سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده: ۶).^۱ این آیه به احکام غسل و وضو و تیمم که موجب پاکیزگی روح است، توجه کرده است. در آیه «وَلَا تَقْلُقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) می‌توان به اهمیت رعایت بهداشت فردی و جمعی در جلوگیری از مرگ اشاره نمود؛ چراکه بهداشت فردی و جمعی مقدمه واجب است. به عبارت ساده‌تر، رعایت بهداشت فردی و جمعی و پیشگیری از بیماری‌ها، برای حفظ جان مسلمانان لازم و ضروری است. لازم به ذکر است، اگر فردی آگاهانه در حفظ جان مسلمانان کوتاهی کند، مستوجب عقوبت است.

حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت پیشگیری فرمود: «لَا وَقَايَةَ أَمْنُعُ مِنَ السَّلَامَةِ»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۲). آن حضرت در جایی دیگر فرمود: «کم‌خوری مانع بسیاری از بیماری‌های جسم می‌شود» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۸)؛ «هرکس خوراکش کم باشد، دردهایش نیز کم است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹).

۱. ای اهل ایمان، هنگامی که به نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر حُجُب بودید، غسل کنید و اگر بیمار یا در سفر هستید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده، یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آبی نیافتید، به خاکی پاک تیمم کنید و از آن، بخشی از صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزارید.

۲. از ایمنی برای جلوگیری از بیماری استفاده کنید.

درواقع شواهد دگر بار نشان می‌دهد سفارشات خداوند برای حفظ منافع فردی و جمعی مردم است. با این رویکرد، پروردگار قصد دارد تا مردم به بهداشت فردی و جمعی توجه داشته باشند. این احکام هرگز در جهت تحت فشار قرار دادن انسان ایجاد نشده است؛ چراکه نه تنها سخت نیست، بلکه برای سلامتی فردی و جمعی انسان‌ها ضروری است.

نتیجه‌گیری

تمدن علمی شیعی، بر پایه اصول عقیدتی، باورهای الهی و وحیانی و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی در طول حیات بشر شکل گرفته و نشانه تمدن الهی است. به طور کلی، تمدن حالت اجتماعی انسان به شمار می‌آید و شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی حائز اهمیت دارد. مؤلفه‌های علمی تمدن شیعی ریشه در آموزه‌های قرآن کریم و سیره حکومتی رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و بزرگان دینی دارد. در تمدن شیعی، برنامه حیات بشری بر پایه مصالح فردی و جمعی و با هدف حیات سرفرازانه انسان در نظر گرفته شده است و افرادی که در این تمدن رشد می‌کنند، علیرغم بهره‌مندی از همه جوانب حیات، هرگز مقهور طبیعت و ماده نخواهند شد. با تکیه بر این موارد، می‌توان شش مؤلفه علمی برای تمدن شیعی در نظر گرفت و آن را دسته‌بندی کرد. از نظر نویسندگان، توجه به کرامت انسانی در بالاترین درجه مؤلفه‌ها و شاخص‌های علمی تمدن شیعی قرار دارد. عقلانیت، نگرش توحیدی، عدالت‌گستری، توجه به علم و توجه به بهداشت فردی و جمعی نیز در درجات بعدی مؤلفه‌های علمی تمدن‌ساز شیعی قرار می‌گیرد که با الهام از قرآن و سخنان ائمه علیهم‌السلام و بزرگان تشیع در دستور کار قرار گرفته است. با تکیه بر نتایج به‌دست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نقش‌آفرینی شیعی در تمدن نوین اسلامی، از مؤلفه‌های حکومت شیعی سرچشمه می‌گیرد که در نهایت به ساخت تمدن شیعی منجر شده است. با شناخت این مؤلفه‌ها می‌توان در مسیر پیگیری و احیای تمدن‌سازی شیعی گام برداشت.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

- نهج البلاغه (محمد دشتی، مترجم).
ابن اثیر، علی بن محمد. (بی‌تا). أسد الغابة. دار احیاء التراث العربی.
ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. دارالصادر.
ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون (محمد پروین گنابادی، مترجم). بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
اکاتی، مرضیه؛ و خدایار، دادخدا. (۱۳۹۳). «نقش امام علی (ع) در گسترش تمدن اسلامی (مطالعه موردی توزیع اقتصادی)». اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
آمدی، عبدالوحد. (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم و درر الکلم (جمال الدین محمد خوانساری، مترجم؛ میر جلال الدین حسینی، مصحح). دانشگاه تهران.
بابایی، احمدعلی. (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
بختی، کامران. (۱۳۷۱). فرهنگ انگلیسی-فارسی: مترادف و متضاد. نشر کلمه.
پولادیان، حسین؛ خجسته، فرامرز؛ و انصاری، زهرا. (۱۴۰۰). «بازپژوهی مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۵۹-۸۲.
تبریزی‌زاده اصفهانی، راضیه. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم». فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱(۲)، ۱۵۰-۱۲۷.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2021.129456>
جان‌احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دفتر نشر معارف.
جرداق، جرج. (۱۳۸۵). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی (سیدهادی خسروشاهی، مترجم). بوستان کتاب.
جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۰). «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب»، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. انتشارات فرهنگ اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). کرامت در قرآن. مرکز نشر و فرهنگ رجاء.
جوینی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف. (۱۴۲۸ق). نهاية المطلب فی دایة المذهب. الطبعة الاولى. دار المنهاج.
حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۵). روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن، تمدن‌پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی. جامعه‌شناسان.
حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (علی‌اکبر غفاری، مصحح). مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة).
حر عاملی، محمد بن حسین. (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعة (عبدالرحیم ربانی شیرازی، محقق). دار احیاء التراث العربی.
خادمی کوشا، محمدعلی. (۱۴۰۲). «جایگاه‌های کرامت ذاتی انسان در علم اصول فقه و استنباط‌های فقهی و تفاوت روشی آنها». فصلنامه علمی پژوهشی اصول. ۱۰(۳۷)، ۱۲۶-۱۰۳.
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. دانشگاه تهران.
دورانت، ویل. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن (احمد آرام و دیگران، مترجم). مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). دانشنامه امام علی (ع). انتشارات سازمان و پژوهشگاه.
زمانی محبوب، حبیب. (۱۴۰۳). «مؤلفه‌های تمدن‌ساز در سیره امام علی (ع) با رویکرد قرآنی». فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱۵(۱)، ۴۶-۷۵.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2023.389965.1194>
ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی. کیهان.
شافعی، محمد بن یدریس. (بی‌تا). أحكام القرآن. دار الکتب العلمیة.
شفیعی، محمود. (۱۳۸۱). «عقل و عقلانیت در اندیشه سیاسی شیعه». علوم سیاسی، ۵(۱۷)، ۱۰۵-۱۳۰.
شیرازی، صدرالدین محمد. (۱۳۶۶ق). شرح أصول الکافی: کتاب العقل والجهل (محمد خواجه‌ای، مصحح). مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
صدری، احمد. (۱۳۸۰). مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی. نشر هرمس.
طارمی‌راد، حسن. (۱۳۸۳). توحید در دانشنامه جهان اسلام. بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکرم الاخلاق. ناشر الشریف الرضی.
طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری (مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، مصحح). شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
عبدالمقصود، عبدالفتاح. (۱۳۷۱). امام علی بن ابی‌طالب (ع) (سیدمحمود طالقانی، مترجم). شرکت سهامی انتشار.
عمید، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید. امیرکبیر.
طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد. (بی‌تا). المعجم الکبیر. دار احیاء التراث العربی.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، محقق). دار الکتب الاسلامیه.
فروغی‌نیا، حسین؛ ملک، سحر؛ و حسینی، فائزة السادات. (۱۳۹۸). «نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه‌های فقهی اسلامی». پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، ۲(۵)، ۱۱۳-۱۴۰.

- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۹۹۱م). القاموس المحيط. دار احیاء التراث العربی.
 الکراجکی، ابوالفتح محمد بن علی. (۱۹۸۵ق). کنز الفوائد. دار الأضواء.
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. دار احیاء التراث العربی.
 محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۹). میزان الحکمة (حمیدرضا شیخی، مترجم). مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
 مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۱) (امیررضا اشرفی، محقق). انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مجموعه آثار استاد مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان و ایمان، جهان‌بینی توحیدی)، وحی و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ. صدرا.
 منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۹۲). تمدن‌سازی نبوی و علوی. مرغ سلیمان.
 موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۷). صحیفه امام. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 موسوی همدانی، محمدباقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 موسوی، سیدمحمدجمال. (۱۴۰۰). تمدن شیعی یا تمدن اسلامی. پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی.
 نجفی، موسی. (۱۳۹۶). تمدن رضوی (مؤلفه‌های تمدن‌ساز در مکتب سیاسی امام رضا). آرما.
 نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). علم و تمدن در اسلام (احمد آرام، مترجم). مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
 یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی. دار صادر.

Heilbron, J.L. (۲۰۰۳). "Preface". The Oxford Companion to the History of Modern Science. Oxford University Press.
 Wilson, E.O. (1999). "The natural sciences". Consilience: The Unity of Knowledge (Reprint ed.). Vintage.



Exploring the Scientific Components of Shi'a Governance Civilization in the Quran

Bibi Azam Hasheminia ¹  Sayyed Mohammad Naghib ² 

1. Ph.D. Candidate in the History of Shiism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author).

2. Associate Professor of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Qur'anic Sciences of Qom, University of Qur'anic Sciences and Knowledge, Qom, Iran.

Corresponding Email: azmhashmynya@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>

Introduction

Understanding the civilization-building components of Shi'a governance is rooted in the Holy Quran and the conduct of the Prophet Muhammad (PBUH) and the infallible Imams (AS). By referring to the Quran and paying attention to the traditions of the Shi'a leaders, their role in constructing Shi'a civilization can be discerned. A set of scientific components exists within the Quran and the conduct of these leaders that influences all aspects of an individual's life, including the social, political, economic, and cultural approaches of wise individuals. Shi'a civilization, by drawing upon Quranic teachings based on profound and multidimensional verses, has been able to overcome significant collective life issues and minor individual matters. The present research, by emphasizing the interpretation of the scientific components of Shi'a civilization and focusing on Quranic teachings from the perspective of Shi'a governance, endeavors to identify and introduce these components by referencing the teachings of the Prophet Muhammad (PBUH) and Imam Ali (AS).

Methodology

This research employs a descriptive-analytical method and library study to explore the scientific components of Shi'a civilization and to find their roots in Quranic knowledge and the conduct of the Infallible.

Findings

Six scientific components can be extracted for Shi'a civilization. These components are:

1. *Attention to Human Dignity*: In the Quran's terms, God appointed man as His vicegerent on Earth (Baqarah:30), and elsewhere, it is explicitly stated that humankind, in terms of dignity, is superior to many of God's creations (Isra:70). From the perspective of Shi'a civilization, human dignity is not based on a contractual or conventional matter, but rather on an ontological and intrinsic reality rooted in the essence of human creation, justified by divine laws and regulations.
2. *Rationality*: Shi'a civilization consistently invites humans to use intellect and reflection, a phenomenon frequently emphasized in the Quran and the conduct of the Infallibles.
3. *Monotheistic Outlook*: This outlook strives to guide human societies towards salvation.
4. *Establishment of Justice*: Justice is defined as placing everything in its rightful position, and the Prophet Muhammad (PBUH) considered himself commissioned to establish justice.
5. *Acquisition of Knowledge*: In the Shi'a view, the Quran and the Imams (AS) are the source of divine knowledge, and Shi'a civilization must focus on knowledge production and innovation.



6. Personal and Public Health: Serious attention to the physical and spiritual needs of humans is among the most important components of Shi'a civilization and is emphasized in the Holy Quran and by the Imams (AS).

In general, these six components can be presented as the most significant scientific components of Shi'a civilization.

Conclusion

The scientific components of Shi'a civilization are rooted in the teachings of the Holy Quran and the governmental conduct of the Prophet Muhammad (PBUH), the Imams (AS), and the great scholars of religion. In Shi'a civilization, the blueprint for human life is designed based on individual and collective interests for the dignified existence of humanity. Individuals who grow within this civilization, despite benefiting from all aspects of life, will never be overwhelmed by nature or materialism. Relying on these points, six scientific components can be considered for Shi'a civilization and categorized. Based on the obtained results, it can be concluded that the role of Shi'ism in the new Islamic civilization stems from the components of Shi'a governance and ultimately leads to the construction of Shi'a civilization. By understanding these components, steps can be taken towards reviving Shi'a civilization-building.

Keywords

Scientific Components, Shi'a Civilization, Islamic Governance, Civilization.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

Qur'ān Karīm.

Nahj al-Balāghah (M. Dashti, Trans.). [In Persian]

‘Abd al-Maqṣūd, ‘A. F. (1992). Imam Ali ibn Abī Ṭālib (AS) (S. M. Taleghani, Trans.). Sherkat-e Sahāmī-ye Enteshār. [In Persian]

Akati, M., & Khodayar, D. (2014). "The Role of Imam Ali (AS) in the Expansion of Islamic Civilization (Case Study: Economic Distribution)." The First National Congress of Religious Thought and Research. [In Persian]

Al-Karājākī, A. M. ibn ‘A. (1985). Kanz al-Fawā’id. Dār al-Aḍwā’. [In Arabic]

Amid, H. (1992). Farhang-e Fārsī-ye Amid. Amirkabir. [In Persian]

Āmidī, A. (1987). Sharḥ-e Ghurar al-Ḥikam wa Durar al-Kalim (J. M. Khwansari, Trans.; M. J. Hosseini, Ed.). University of Tehran. [In Persian]

Babaei, A. A. (2003). Bargozideh-ye Tafsir-e Namuneh. Dār al-Kutub al-Islāmīyah. [In Persian]

Bakhti, K. (1992). Farhang-e Engelīsī-Fārsī: Morādef va Motazād. Nashr-e Kalameh. [In Persian]

Dehkhoda, A. A. (1998). Loghatnāme-ye Dehkhodā. University of Tehran. [In Persian]

Durant, W. (1999). Tārīkh-e Tamaddon (A. Ārām et al., Trans.). Markaz-e Enteshārāt-e ‘Elmī va Farhangī. [In Persian]

Fīrūzābādī, M. ibn Y. (1991). Al-Qāmūs al-Muḥīṭ. Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]

[Foroughinia, H., Malek, S., & Hosseini, F. S. \(2019\). "An Approach to the Concept of Human Dignity in the Light of Islamic Jurisprudential Thoughts." Legal Research Journal of Lawyar, 2\(5\), 113-140. \[In Persian\]](#)

Ḥarrānī, Ḥ. ibn ‘A. (1984). Tuḥaf al-‘Uqūl (A. A. Ghaffari, Ed.). Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī (al-tābi‘ah) li Jamā‘at al-Mudarrisīn bi Qom al-Musharrafah. [In Arabic]

Heilbron, J. L. (2003). "Preface." In The Oxford Companion to the History of Modern Science. Oxford University Press.

Hosseini, S. H. (2016). "Method of Analyzing the Conceptual Components of Civilization." In Tamaddon-pazhūhī: Moṭāle‘āt-e Maḥmūmī-ye Tamaddon-e Eslāmī. Jāme‘eh-shenāsān. [In Persian]

Ḥurr al-‘Āmilī, M. ibn Ḥ. (1983). Wasā’il al-Shī‘ah (A. R. Rabbani Shirazi, Ed.). Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]

Ibn al-Athīr, ‘A. ibn M. (n.d.). Usd al-Ghābah. Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]

Ibn Khaldūn, ‘A. (1981). Muqaddameh-ye Ibn Khaldūn (M. Parvin Gonabadi, Trans.). Bankāh-e Tarjomeh va Nashr-e Ketāb. [In Persian]

Ibn Manzūr, A. M. ibn M. (1988). Lisān al-‘Arab. Dār al-Sādir. [In Arabic]

Jafari, M. T. (1981). "Global Human Rights from the Perspective of Islam and the West." Tehran: Daftar-e Khedmat-e Hoqūqī-ye Bayn al-Melalī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān. [In Persian]

Jafari, M. T. (1983). Tarjomeh va Tafsir-e Nahj al-Balāghah. Farhang-e Eslāmī Publications. [In Persian]

Jan Ahmadi, F. (2009). Tārīkh-e Farhang va Tamaddon-e Eslāmī. Daftar-e Nashr-e Ma‘āref. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (1997). Kerāmat dar Qur’ān. Markaz-e Nashr va Farhang-e Rajā. [In Persian]

Jurdāq, J. (2006). Imam Ali (AS) Sedā-ye ‘Edālat-e Ensānī (S. H. Khosroshahi, Trans.). Bustān-e Ketāb. [In Persian]

Juvaynī, ‘A. al-M. ibn ‘A. ibn Y. (2007). Nihāyat al-Maṭlab fī Dirāyat al-Madhhab (1st ed.). Dār al-Minhāj. [In Arabic]

Khademi Kusha, M. A. (2023). "The Positions of Inherent Human Dignity in the Principles of Islamic Jurisprudence (Uṣūl al-Fiqh) and Jurisprudential Deductions and Their Methodological Differences." Quarterly Journal of Uṣūl, 10(37), 103-126. [In Persian]

Kulaynī, M. ibn Y. (1987). Al-Kāfī (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Eds.). Dār al-Kutub al-Islāmīyah. [In Arabic]

- Majlisī, M. B. (1983). *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'ah li Durar Akhbār al-A'immah al-Aṭḥār. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī*. [In Arabic]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2010). **Khodā-shenāsī (Majmū'eh-ye Kotob-e Āmūzeshī-ye Ma'āref-e Qur'ān 1)** (A. Ashrafī, Ed.). Enteshārāt-e Mu'assaseh-ye Āmūzeshī va Pazhūheshī-ye Emām Khomeynī. [In Persian]
- Mohammadi Rey Shahri, M. (2010). *Mīzān al-Ḥikmah* (H. Shaykhi, Trans.). Mu'assaseh-ye 'Elmī-ye Farhangī-ye Dār al-Ḥadīth. [In Persian]
- Montazer al-Qaem, A. (2013). *Tamaddon-sāzī-ye Nabawī va Alawī. Morgh-e Soleymān*. [In Persian]
- Motahhari, M. (n.d.). *Majmū'eh-ye Āsār-e Ostād Motahhari: Moqaddameh-ī bar Jahānbīnī-ye Eslāmī (Ensān va Īmān, Jahānbīnī-ye Tawhīdī), Vaḥy va Nobowwat, Ensān dar Qur'ān, Jāme'eh va Tārīkh*. Sadrā. [In Persian]
- Mousavi Hamedani, M. B. (1995). *Tarjomeh-ye Tafsīr-e Al-Mīzān. Daftar-e Enteshārāt-e Eslāmī-ye Jāmi'ah-ye Mudarrisīn-e Ḥowzeh-ye 'Elmīyah-ye Qom*. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, R. (1999). *Ṣaḥīfeh-ye Nūr. Mu'assaseh-ye Tanzīm va Nashr-e Āsār-e Emām Khomeynī*. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, R. (2008). *Ṣaḥīfeh-ye Emām. Mu'assaseh-ye Tanzīm va Nashr-e Āsār-e Emām Khomeynī*. [In Persian]
- Mousavi, S. M. J. (2021). "Shiite Civilization or Islamic Civilization." *Historical, Cultural and Civilizational Researches*. [In Persian]
- Najafi, M. (2017). *Tamaddon-e Raḍavī (Mo'alalefeh-hā-ye Tamaddon-sāz dar Maktab-e Sīāsī-ye Emām Riḍā)*. Ārmā. [In Persian]
- Nasr, S. H. (2005). *'Elm va Tamaddon dar Eslām* (A. Ārām, Trans.). Markaz-e Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- [Poladian, H., Khojasteh, F., & Ansari, Z. \(2021\). "Reinvestigation of the Shiite Components of the Fotowwa Ritual." History of Islamic Culture and Civilization, 12\(45\), 59-82. \[In Persian\]](#)
- Rashad, A. A. (2006). *Dāneshnāmeḥ-ye Emām 'Alī (AS). Sāzmān va Pazhūheshgāh Publications*. [In Persian]
- Sadri, A. (2001). *Maḥmūd-e Tamaddon va Lozūm-e Iḥyā-ye Ān dar 'Olūm-e Ejtemā'ī*. Hermes Publications. [In Persian]
- Saroukhani, B. (1991). *Darāmādī bar Dā'erat al-Ma'āref-e 'Olūm-e Ejtemā'ī*. Keyhān. [In Persian]
- [Shafii, M. \(2002\). "Reason and Rationality in Shiite Political Thought." Political Sciences, 5\(17\), 105-130. \[In Persian\]](#)
- Shāfi'ī, M. ibn I. (n.d.). *Aḥkām al-Qur'ān. Dār al-Kutub al-'Ilmīyah*. [In Arabic]
- Shirazi, S. M. (1947). *Sharḥ Uṣūl al-Kāfi: Kitāb al-'Aql wa al-Jahl* (M. Khwajavi, Ed.). Mu'assaseh-ye Moṭāle'āt va Taḥqīqāt-e Farhangī. [In Persian]
- Ṭabarānī, A. al-Q. S. ibn A. (n.d.). *Al-Mu'jam al-Kabīr. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī*. [In Arabic]
- Ṭabarsī, Ḥ. ibn F. (1991). *Makārim al-Akhlaq. Al-Sharīf al-Raḍī*. [In Arabic]
- [Tabrizi Zadeh Esfahani, R. \(2020\). "Transcendental Civilization-Building Components from the Perspective of the Holy Qur'ān." Quarterly Journal of Qur'ān, Culture and Civilization, 1\(2\), 127-150. https://doi.org/10.22034/jksl.2021.129456 \[In Persian\]](#)
- Tarami Rad, H. (2004). "Tawḥīd." In *Dāneshnāmeḥ-ye Jahān-e Eslām. Bonyād-e Dā'erat al-Ma'āref-e Eslāmī*. [In Persian]
- Ṭūsī, K. N. (1985). *Akhlaq-e Nāṣerī* (M. Minovi & A. Heydari, Eds.). Sherkat-e Sahāmī-ye Enteshārāt-e Khwārazmī. [In Persian]
- Wilson, E. O. (1999). "The Natural Sciences." In *Consilience: The Unity of Knowledge* (Reprint ed.). Vintage.
- Ya'qūbī, A. ibn I. (n.d.). *Tārīkh al-Ya'qūbī. Dār al-Ṣādir*. [In Arabic]

Zamani Mahjoub, H. (2024). "Civilization-Building Components in the Conduct of Imam Ali (AS) with a Qur'ānic Approach." *Quarterly Journal of Qur'ān, Culture and Civilization*, 5(1), 46-75. <https://doi.org/10.22034/jksl.2023.389965.1194>[In Persian]

How to cite:

Hasheminia , Bibi Azam ; Naghib , Sayyed Mohammad . (2026). Exploring the Scientific Components of Shi'a Governance Civilization in the Quran. *Quran, Culture And Civilization* , 7(1), 113-132. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>

